

بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک

(نمونه‌ی موردی: شهرهای گله‌دار، ورزنه و هیدج)

دکتر کرامت الله زیاری (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران، نویسنده مسؤل)

Zayyari@ut.ac.ir

سید مجدالدین زندوی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران)

Majdadin@gmail.com

محمد آقاجانی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران)

Aghajanyhammad@gmail.com

محمد مقدم (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران)

Amuhamadz@gmail.com

چکیده

موضوع مشارکت شهروندان در امور، از یک دهه قبل تاکنون به‌عنوان عامل اساسی در بررسی‌های توسعه مورد توجه است. بیشترین تعداد شهرهای ایران در دسته‌ی شهرهای کوچک قرار دارند. در این پژوهش سه شهر کوچک "گله‌دار" در استان فارس، "ورزنه" در استان اصفهان و "هیدج" در استان زنجان، به‌عنوان شهر کوچک انتخاب شده‌اند. ابتدا با بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای و استفاده از منابع معتبر فارسی و لاتین، چارچوب نظری تنظیم شده و با توجه به این چارچوب، پرسشنامه برای سنجش بستر مشارکت در شهرهای کوچک تهیه گردید. حجم نمونه‌ی پژوهش، ۲۵۵ تن از ساکنان شانزده سال به بالای این شهرهاست. این پرسشنامه در محیط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با توابع آماری از متغیرهای پژوهش، هم‌بستگی گرفته شد. با توجه به نتایج پرسشنامه، مشخص شد که در بعد ذهنی، تمایل به مشارکت بسیار بالاست و نگرش بسیار مناسبی به مشارکت در این شهرها وجود دارد؛ در بعد عینی مشارکت که از طریق عوامل مشارکت مردم در سازمان‌ها و نهادهای شهری، شرکت در انتخابات اخیر و تعامل با آشنایان سنجیده شده است، مشارکت مردم در سطح ضعیفی قرار دارد. براساس نتایجی که از آزمون هم‌بستگی بین بعد ذهنی مشارکت به عنوان متغیر مستقل و مشارکت مردمی حاصل شد، مشخص شد که ارتباط معناداری از بعد ذهنی مشارکت در این شهرها وجود دارد و بستر مشارکت در شهرهای مورد مطالعه برای مشارکت در مدیریت شهری بسیار بالاست.

کلید واژه‌ها: مشارکت شهروندی، مدیریت شهری، شهرهای کوچک، گله‌دار، هیدج، ورزنه

درآمد:

شهرنشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به دنبال آن توسعه‌ی شهرهای کوچک و بزرگ از ویژگی‌های عصر حاضر است و توسعه‌ی پایدار آنها در گرو داشتن برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کارآمد است (رضویان، ۱۳۸۷: ۱۰۲). در طول سال‌های اخیر، رشد سریع شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، منجر به پیدایش مسائلی مانند کمبود واحدهای مسکونی، بالا بودن میزان بیکاری، مشکلات اقتصادی، فقر، حاشیه‌نشینی، آلودگی‌های زیست‌محیطی و غیره شده است. همین موضوع، خود موجب نابرابری خدمات و امکانات و کم‌رنگ شدن عدالت اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی گردیده است. بر این اساس، تعداد زیادی از محققان بر این عقیده‌اند که برنامه‌ریزی‌های توسعه باید با تأکید بر پویایی شهرهای کوچک و متوسط تهیه شوند، «از اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰، مراکز شهری کوچک و میانی، توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به خود جلب کرده است» (سرور، ۱۳۸۵: ۷۶).

مناطق شهری کشورهای در حال توسعه، به سرعت رشد می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود به نود درصد جمعیت این کشورها در سال ۲۰۳۰ برسد. با این وجود، مطالعات کمی در شهرهای کوچک انجام گرفته است (Matthew and others, 2008, 1). شهرهای کوچک، جایگاه مهمی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ملی دارند، از سوی دیگر این گونه شهرها با وجود شباهت‌هایشان با شهرهای بزرگ تفاوت‌هایی نیز دارند که باعث می‌شود در اداره و مدیریت این گونه شهرها تفاوت‌های عمده‌ای مشاهده شود. «مشارکت شهروندان در سطوح مختلف و درجات متفاوت تحقق می‌یابد، به عبارت دیگر بین وارد شدن در مشارکتی تشریفاتی و ساختگی، و مشارکتی که نشانگر قدرت واقعی تأثیر در نتایج و فرایند برنامه‌ریزی‌ها است، تفاوت وجود دارد. این نکته بسیار مهم، باید در تمامی برنامه‌های مدیریت شهری و حکمرانی شهری، مورد توجه متخصصان برنامه‌ریزی و مدیریت و سیاست‌گذاران قرار گیرد» (Arnesterins, 2006, 21).

رویه‌ی بیشتر برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های شهری، که در جهان به صورت طرح‌های جامع تهیه می‌شود متفاوت است؛ به گونه‌ای که از مهم‌ترین تغییراتی که در روند تهیه و اجرای این طرح‌ها به وجود آمده، نقشی است که به مشارکت مردم در این طرح‌ها داده می‌شود. با توجه

به نقشی که مشارکت مردمی در روند تهیه و اجرای طرح های شهری دارد، باید روند تهیه و اجرای طرح های شهری در ایران نیز تغییر یابد و از مهم ترین تغییراتی که باید در این طرح ها داده شود، اهمیت دادن به مشارکت مردم است. بنابراین مشارکت در مدیریت شهری شهرها، بسیار اهمیت دارد، چرا که رفاه و آسایش شهروندان باید هدف اصلی مدیریت شهری باشد و شهروندان زمانی که در این مدیریت مشارکت داشته باشند، نیازها بهتر برآورده می شود. در شهرهای کوچک با توجه به غلبه فرهنگ روستایی، همیاری و تعاون بسیار زیادی دیده می شود که مدیران شهری می توانند از این روحیه مشارکتی که در شهرهای کوچک است در زمینه مدیریت شهری استفاده کنند. در حال حاضر، بسیاری از الگوهای مشارکتی در شهرهای ایران فقط در کلان شهرها اجرا می شود و به نقش مشارکت شهروندی در شهرهای کوچک توجه ای نمی شود. به همین دلیل در مورد مشارکت مردم در شهرهای کوچک، تحقیقاتی صورت نگرفته است. بنابراین نوشتار حاضر نقشی که مشارکت مردم در شهرهای کوچک می توانند داشته باشد و در حال حاضر دارند، را بررسی می نماید.

مدیریت شهری و اندازهی شهر

سابقه علم مدیریت شهری به پیدایش شهر و ضرورت تدوین اصول و مقررات و قوانین زیستن انسانها در کالبد زیستی، روانی و اجتماعی باز می گردد (کردی، ۱۳۸۵: ۲۲). در حال حاضر مفهوم مدیریت شهری در تئوری های مدیریت سیستماتیک مورد بحث قرار می گیرد، که اصول اولیهی آن در مدیریت، عبارت اند از: رعایت اصول بهره برداری صحیح، پاسخ دهی اجتماعی و انعطاف پذیری، که به طور مساوی قابل اجرا هستند. مدیریت شهری باید بتواند در پاسخ دادن و غلبه بر محدودیتها و مسایل شهری به بهترین شکل عمل کند (Chakrabarty, 2001) بین مشارکت و اندازه یک جامعه، رابطه ای معناداری وجود دارد، بدین ترتیب که هر چه جامعه کوچک تر باشد زمینه های مساعد همکاری و مشارکت مردم بالا می رود. جوامع بزرگتر کمتر دل بستگی به وطن خود دارند، بنابراین هر چقدر یک فعالیت در حوزه کوچک تری سازمان یابد، امکان بهره گیری از مدیریت مشارکتی در آن افزایش می یابد.

در واحدهای کوچک‌تر تماس چهره‌به‌چهره امکان‌پذیرتر است. پیوندها خصوصی‌تر هستند، مسؤولیت‌ها در جریان تصمیم‌گیری‌ها قابل تشخیص‌تر است و هم‌آهنگی‌ها آسان‌تر صورت می‌گیرد. علاوه بر اندازه‌ی سازمان «نوع فن‌آوری مورد استفاده در یک فعالیت بر امکان مدیریت مشارکتی اثر می‌گذارد. معمولاً اگر امکان فعالیت چهره‌به‌چهره و نزدیک وجود داشته باشد و تقسیم کار و ساختار کاملاً تفکیک‌یافته و جدا از هم نباشد، امکان مشارکت افزایش می‌یابد. همچنین اگر نوع فن‌آوری به کار رفته، به گونه‌ای باشد که تصمیم‌گیری‌های بسیار فوری در حداقل زمان ممکن را ضروری می‌سازند، از امکان مدیریت مشارکتی کاسته می‌شود» (French, 2005, 1).

با توجه به نقش مهمی که "مدیریت شهری" و "شهرداری" در تأثیرگذاری بر حیات مدنی دارند، بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که باید میان مفهوم مدیریت شهری و شهرداری از نظر تئوریک تفاوت قائل شد. مدیریت شهری بخشی از دانش مدیریت است که عرصه‌های نظری را مورد توجه قرار می‌دهد، اما شهرداری سازمانی است که با بهره‌گیری از الگوها و مفاهیم دانش مدیریت شهری، وظیفه‌ی مدیریت و اداره امور شهر را به عهده دارد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۱: ۴۳). در زیر مهمترین مشکلات مدیریتی شهرهای کوچک بیان شده است (موارد ذکر شده بر اساس مصاحبه با مدیران شهری در شهرهای گله‌دار، هیدج و ورزنه تنظیم شده است):

وابستگی شدید به بودجه‌ی دولتی: پس از اجرای قانون خودکفایی شهرداری‌ها، شهرداری‌ها باید بیشتر هزینه‌های شهری را خودشان قبول کنند. این قانون به ضرر شهرداری‌های شهرهای کوچک تمام شد، چون منابع درآمدی شهرداری‌ها در این شهرها ناچیز است. بنابراین برای جبران هزینه‌های خود، وابستگی شدیدی به وزارت کشور دارند. اصولاً عوارض به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی شهرداری‌ها محسوب می‌شود، ولی در این شهرها چون واحدهای صنفی زیادی وجود دارد، محدوده‌ی شهر زیاد نیست، نمی‌توان عوارض بیشتری دریافت کرد.

اجرای اکثر طرح‌های عمرانی بدون دخالت شهرداری به‌عنوان مهم‌ترین نهاد مدیریت شهری: در شهرهای کوچک، اجرای طرح‌های شهری بدون دخالت شهرداری‌ها انجام می‌شود و

شهرداری‌ها در قبال این طرح‌ها جنبه‌ی مشاوره‌ای یا نظارتی دارند. این مسأله چند علت دارد: نبود متخصصان، ناکافی بودن بودجه‌ی شهرداری‌ها در اجرای طرح‌ها و

انتصاب مدیران شهری بدون سابقه‌ی مدیریتی در شهرها توسط شورای شهر: شورای اسلامی در شهرهای کوچک با مشکلاتی روبرو هستند که مهم‌ترین آن مشکل نبود متخصص در اداره‌ی امور شهری در شورای شهر است. در این شهرها کسانی عضو شورای شهر می‌شوند که معمولاً معتمد و به اصطلاح ریش سفید شهر هستند و اطلاع چندانی از اداره امور شهر نداشتند و این باعث ناکارایی شورای شهر، در این شهرها شده است.

شباهت بیشتر قوانین شهری با شهرهای بزرگ، با وجود تفاوت‌های زیادی که این گونه شهرها با شهرهای بزرگ دارند: شهرها نیز مانند دیگر سیستم‌های موجود در زندگی، نیاز به قوانین و شرایطی برای بقا و درست کار کردن دارند (کامیار، ۱۳۸۵: ۲۰). در شهرهای بزرگ "نقش خدماتی" به عنوان برجسته‌ترین نقش شهر مطرح است، در حالی که در شهرهای کوچک، سایر نقش‌های شهری (کشاورزی، معدنی و ...) بیشتر جلوه می‌کند، چون این شهرها در حقیقت روستاهای بزرگ اند که به شهر تبدیل شده‌اند. ارایه‌ی الگوی همسان از قوانین برای همه‌ی شهرها، کاری بیهوده و اشتباه است.

مشارکت در مدیریت شهری

«واژه مشارکت^۱ از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص می‌باشد (میرموسوی، ۱۳۷۵: ۸۷). در تعاریف دیگر «مشارکت به معنای به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهم شدن در یک اقدام جمعی است (معنی، ۱۳۸۲: ۱۲). برخی از تعاریفی که از مشارکت داده شده است، مشارکت را یک کنش اجتماعی می‌دانند. در هر حال، از نظر تحلیلی می‌توانیم دو گونه کنش را از یکدیگر متمایز سازیم: "کنش فردی" و "کنش اجتماعی". در جدا ساختن کنش اجتماعی، دو دیدگاه مختلف از آغاز با هم رقابت داشته‌اند. یکی دیدگاه وبر که بیشتر بر معیارهای درونی و ذهنی تأکید می‌کند و دیگری دورکیم است که بیشتر بر

معیارهای خارج از فرد و عینی تأکید دارد (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۸). مفهوم مشارکت، قدمتی به درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد که در طول حیات طولانی خود، روند تکامل و دگرگونی را پشت سر گذاشته و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی خود تعاریف متفاوتی دریافت کرده است. مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان‌یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص، که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌شود، در آن شرکت می‌کنند (غفاری و ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۸۸). «اوکلی» که گرایش خاصی به ابعاد کاربردی مفهوم مشارکت دارد، معتقد است که مشارکت عبارت است از حساس‌سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخ‌گویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها، بر اساس تلاش‌های سازمان‌یافته (معنی، ۱۳۸۲: ۲۷). مشارکت در مدیریت شهری یعنی ارتباط متقابل مردم با مدیریت شهر به صورتی که بتوانند در شهر تأثیر گذار باشند. «دخالت مردم در امور شهری از اصیل‌ترین شیوه‌های رشد ملی به شمار می‌آید، تجربه‌ی سودمند و شوق‌انگیز محلی در اداره‌ی امور جمعی، رغبت مردم را برای پرداختن به کارهای بزرگ‌تر ملی تحریک می‌کند و آنان با تکیه بر نتایج سودمند که از مشارکت محلی به دست می‌آوردند، به مشارکت‌های بزرگ ملی کشوری راغب می‌گردند (طوسی، ۱۳۷۳: ۶-۷). در نظریه‌های عرفی از جامعه، الگوی مشارکت سیاسی در ارتباط با آژانس‌ها و حکومت‌های محلی و بیرونی تعریف می‌شود. به نظر می‌رسد شهروند کسی است که به‌عنوان رأی‌دهنده ساده و یا ذی‌نفع از پروژه‌های توسعه می‌باشد. امروزه در حال افزایش شور و هیجان در مباحث شهروندگرایی و مشارکت، دولت‌ها و مؤسسات جهانی، سیاست‌های خود را با سیاست‌ها و فرهنگ غرب تطابق می‌دهند (McEwan, 2005: 22).

در کشور ایران سابقه‌ی مشارکت مردم در مدیریت شهری، طولانی است، البته منظور، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری نوین است که تفاوت بسیاری با والیان شهرهای قدیمی دارد. در کشور ما، هدف قانون‌گذاران نخستین مجلس شورای ملی نیز آن بود که با ایجاد مدیریت شهری نوین در ایران و انجمن‌های بلدی، شهروندان در اداره امور شهرهای خود

مشارکت نمایند. از این رو «نخستین قانون مربوط به مدیریت شهری نوین در ایران با عنوان قانون بلدیة، دوازدهم خرداد ۱۲۸۲ خورشیدی به تصویب نخستین دوره قانون گذاری مجلس شورای ملی رسید» (فیضی، ۱۳۷۴، ۱۴۹)، پس از سقوط پهلوی اول در شهریور ۱۳۲۰ و آغاز دوران جدید در تاریخ ایران، در چهارم مرداد ۱۳۲۸، قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهر به تصویب مجلس رسیده و قوانین گذشته را ملغی کرد (یزدانزاده و لاریجانی، ۱۳۸۶: ۵۳).

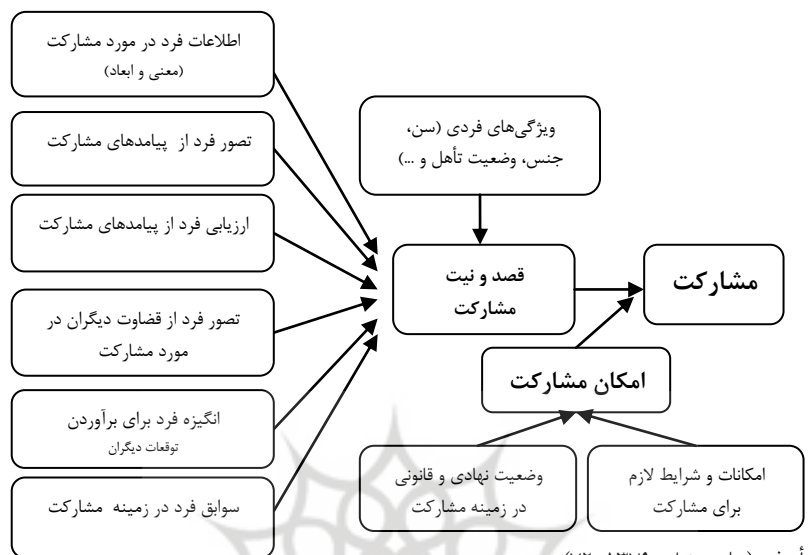
در یک طبقه‌بندی استقرایی، می‌توان زمینه‌های مشارکت در اداره امور شهرها را با عناوین زیر طبقه‌بندی کرد: فعالیت‌های عمرانی (ایجاد خیابان و کوچه، ایجاد میدان و ...)، فعالیت‌های مربوط به محیط‌زیست (ایجاد فضاهای سبز و زیباسازی شهر)، فعالیت‌های مربوط به ایمنی شهر (ایجاد ایستگاه‌های آتش‌نشانی، دفع خطر از بناها و ...)، فعالیت‌های نظارتی (نظارت بر حسن انجام قوانین و مقررات مربوط به زندگی شهری)، فعالیت‌های مربوط به خدمات شهری، (دفع زباله، ارائه خدمات مربوط به غسل‌خانه و گورستان و ...)، فعالیت‌های مربوط به رفاه اجتماعی (تأسیس فرهنگ‌سراها، تأسیس کتابخانه و ...).

سنجش مشارکت شهروندی

مشارکت به شیوه‌های گوناگونی مورد سنجش قرار می‌گیرد. مثلاً سنجش مشارکت در یک رأی‌گیری از طریق مقایسه‌ی جمعیتی که در رأی‌دادن شرکت کرده‌اند، صورت می‌گیرد. در بسیاری از بررسی‌ها، معمولاً تلاش بر این بوده که مشارکت اجتماعی را به صورت عددی اندازه بگیرند و مشارکت در ارتباط با نهادها (چه دولتی و چه غیر دولتی) بسیار کم مورد تحلیل قرار گرفته است.

مجموعه عوامل مؤثر بر میزان مشارکت و نحوه‌ی تأثیرگذاری آنها را می‌توان به صورت نمودار شماره ۱ نشان داد. به دلیل تمرکز بحث بر مشارکت افراد در مدیریت شهری، مفاهیم را باید با این گونه مشارکت تفسیر کرد.

نمودار ۱ - مجموعه عوامل مؤثر بر میزان مشارکت افراد



مأخذ: (علوی تبار، ۱۳۷۹، ۷۲)

همان طور که در نمودار مشاهده می‌شود، اقدام به مشارکت توسط یک فرد هنگامی صورت می‌پذیرد، که اولاً قصد و نیت او برای مشارکت مشخص شده و انگیزه‌ی کافی برای مشارکت را داشته باشد. ثانیاً امکان مشارکت برای فرد خواهان مشارکت، فراهم شده باشد. هریک از این دو عامل (قصد و نیت و امکان مشارکت) تحت تأثیر عوامل دیگری مشخص و تعیین می‌شوند. نخستین سازه مؤثر بر قصد به مشارکت، اطلاعات فرد در مورد مشارکت است. دومین سازه مشارکت، تصور فرد از پیامدهای مشارکت است. فردی که اجمالاً می‌داند مشارکت چیست، باید در این زمینه اندیشه کند که در اثر اقدام به مشارکت چه چیز حاصل می‌شود؟ برخی پیامد اصلی مشارکت را امکان دفاع از منافع فردی و خانوادگی در فرایند تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌دانند و در واقع به آن به‌عنوان ابزاری مناسب برای دفاع از خویش می‌نگرند.

سومین عامل مؤثر در شکل‌گیری انگیزه‌های درونی در زمینه‌ی مشارکت ارزش داوری در زمینه‌ی پیامدهای متصور برای مشارکت است. مجموعه سازه‌های سه گانه‌ی بالا، گرایش فرد نسبت به مشارکت را می‌سازند (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۲۶).

عامل مؤثر دیگری که می‌تواند نقش تسهیل‌کننده و یا مانع در ایجاد انگیزه برای مشارکت داشته باشد، سوابق فرد در مورد مشارکت است. ویژگی‌های فردی را نیز باید مورد توجه قرار داد. از نظر زمان لازم برای مشارکت، شور مشارکت در فعالیت‌های دست‌جمعی و از نظر نگرش‌های مساعد اجتماعی برای مشارکت فرد، سن و جنس می‌تواند مهم باشد.

در صورت مساعد بودن همه عوامل بالا قصد مشارکت در فرد پدید می‌آید، اما تنها قصد مشارکت برای اقدام به مشارکت کافی نیست، وجود امکان مشارکت نیز شرط است. امکان مشارکت دو جنبه‌ی متفاوت را در بر می‌گیرد. از یک سو امکان مشارکت به نظام قانونی و نهادی جامعه باز می‌گردد. قوانین یک جامعه از یک سو چارچوب‌های قابل قبول و رسمیت‌یافته‌ی کنش‌های اجتماعی را مشخص می‌سازند و از سوی دیگر حقوق متقابل افراد و وظایف مرتبط با این حقوق را تعیین می‌نماید. برای این که ما بتوانیم مشارکت را مورد سنجش قرار دهیم، ضروری است که مشارکت را به متغیرهایی تبدیل کنیم که از مجموع این‌ها بتوان مشارکت را در این شهرها مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. بنابراین ما در این نوشتار مشارکت را به دو بعد ذهنی و عینی تقسیم نمودیم و هریک از اینها نیز به گویه‌های مختلفی تقسیم شده‌اند که با توجه به همه اینها پرسشنامه تهیه گردید.

۱. مشارکت ذهنی: «بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت است» (موسوی،

۱۳۸۴: ۳۱۲).

در تحقیق حاضر برای سنجش مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی از هشت گویه برای سنجش نگرش به مشارکت و یک سؤال مستقل برای سنجش تمایل به مشارکت استفاده شده است:

الف) سؤال در برگزیده میزان علاقه‌مندی پاسخ‌گو در ارتباط با مشارکت در حل مشکلات محله است؛

ب) گویه‌ها مربوط‌اند به: حساب کردن روی کمک دیگران، برتری تصمیمات جمعی، ناتوانایی مردم در حل مشکلات، هر کس باید به فکر خود باشد، اهمیت و اولویت مشارکت در امور اجتماعی بر امور فردی، فایده‌مندی مشورت با دیگران، اهمیت زمان و برتری کاربرد آن در امور جمعی بر امور فردی.

۲. مشارکت عینی: بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند؛ که شامل موارد زیر است:

الف) مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه: این شاخص خود از دو خرده شاخص عضویت و موقعیت مشارکتی تشکیل شده است؛

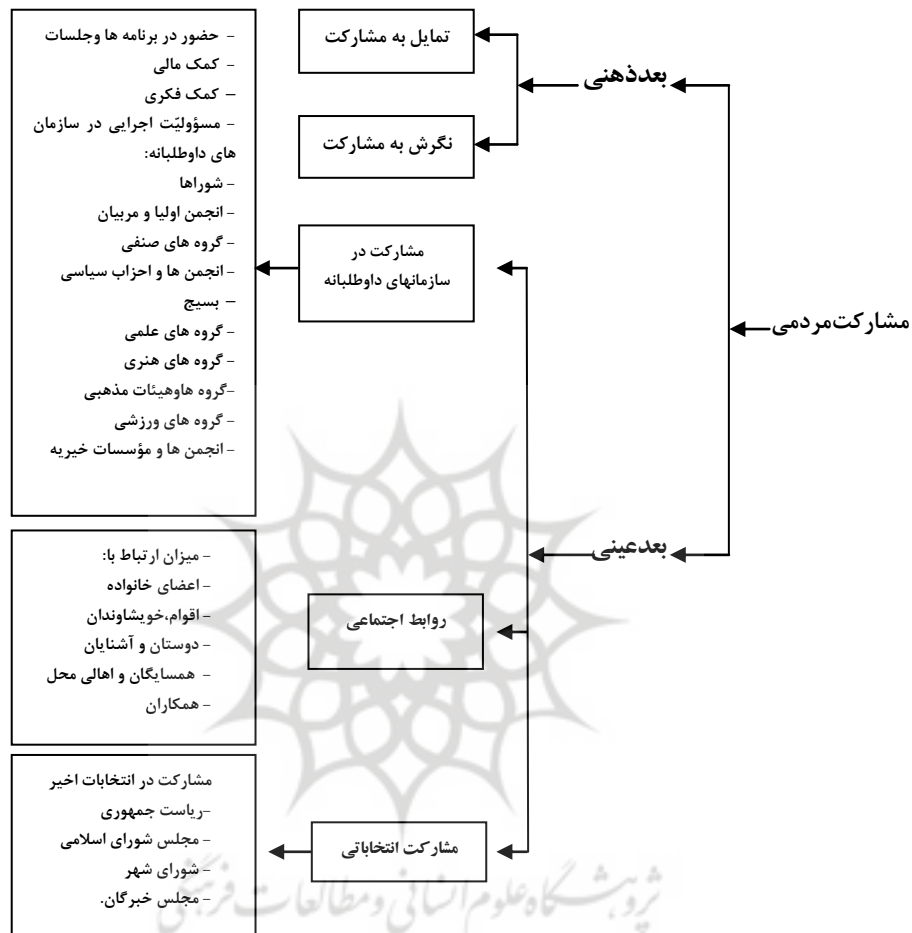
- عضویت مشارکتی: میزان و چگونگی توزیع افراد مورد مطالعه بر اساس تعداد عضویت یا همکاری آنها در نهادها و گروه‌هایی از قبیل: شوراها، انجمن اولیا و مربیان، گروه‌های صنفی، انجمن‌ها و احزاب سیاسی، بسیج، گروه‌های علمی، گروه‌های هنری، گروه‌ها و هیئت‌های مذهبی، گروه‌های ورزشی و انجمن‌ها و مؤسسات خیریه.

- موقعیت مشارکتی وضعیت افراد مورد مطالعه بر مبنای موقعیت مشارکتی آنها در مجامع مشارکتی بر حسب چهار مقوله‌ی: حضور در برنامه‌ها و جلسات، کمک مالی، کمک فکری و مسؤلیت اجرایی.

ب) مشارکت خانوادگی و محلی بر حسب میزان ارتباط با اعضای خانواده، اقوام و خویشاوندان، دوستان و آشنایان، همسایگان و اهالی محل و همکاران؛

پ) مشارکت انتخاباتی در هر یک از چهار انتخابات اخیر ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای شهر و مجلس خبرگان.

نمودار ۲- مشارکت مردمی و ابعاد آن



روش تحقیق

در این نوشتار، ابتدا با بررسی کتابخانه‌ای و استفاده از منابع معتبر فارسی و لاتین، چارچوب نظری تدوین و با توجه به آن پرسشنامه تهیه شده است. همچنین از روش مصاحبه نیز استفاده شده است. این پژوهش بر اساس روش توصیفی-مقطعی^۱ انجام شده و طراحی آن

1- Cross-sectional

به گونه‌ای است که بتوان در آینده به منظور مطالعات تطبیقی، نظیر این بررسی را تکرار نمود. در این پژوهش، سه شهر کوچک که در موقعیت‌های مختلف جغرافیایی ایران قرار دارند و از لحاظ فرهنگی و زبانی نیز با هم متفاوت اند، انتخاب شده‌اند. مجموع جمعیت آنها ۳۳۲۹۳ تن است. جامعه‌ی آماری را افراد ساکن در این شهرها تشکیل می‌دهند و واحدهای نمونه‌گیری در این پژوهش، بلوک‌های ساختمانی است. با توجه به حوزه‌ی نمونه‌گیری مورد بررسی از هر خانوار، یک فرد شانزده ساله و بالاتر، که بر حسب نیاز- زن یا مرد- و در گروه‌های سنی (۲۴-۱۶، ۳۴-۲۵، ۴۴-۳۵، ۵۴-۴۵ و ۵۵ ساله و بیشتر) انتخاب شده است. با توجه به فاکتورهای مورد بررسی، جامعه‌ی آماری این پژوهش برابر با ۲۰۲۹۱ تن، در مجموع سه شهر است. برای برآورد تعداد نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید. با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد، تعداد نمونه‌ی مورد نیاز براساس فرمول، ۲۵۵ تن تعیین گردید. با توجه به اهمیت حصول اطمینان از اعتبار^۲ وسیله‌ی جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه، در این بررسی از رویه‌ی اعتبار محتوا^۳ استفاده شد و ضوابطی چون: استفاده از پرسشنامه‌های آزمایش شده قبلی در بررسی‌های مشابه و استفاده از کتب و مجلات معتبر و نظرخواهی از محققان دیگر مورد توجه قرار گرفت. همچنین این پرسشنامه به مرحله‌ی آزمون نیز رسید که در چند مورد اصلاح شد. برای تجزیه و تحلیل پرسشنامه در این مقاله از نرم افزارهای اکسل و Spss استفاده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله جامع علوم انسانی

مروری بر شهرهای کوچک مورد مطالعه

در سال ۱۳۸۵ از کل ۴۸/۲ میلیون تن جمعیت شهری کشور، ۳۳/۸ میلیون تن در هشتاد شهر بالای صد هزار تن و ۱۴/۴ میلیون تن در شهرهای کمتر از صد هزار تن زندگی می‌کردند و میان شهرهای کمتر از صد هزار تن در سال ۱۳۸۵، ۶۷ شهر بین پنجاه تا صد هزار تن وجود

1- Validity

2- Content validity

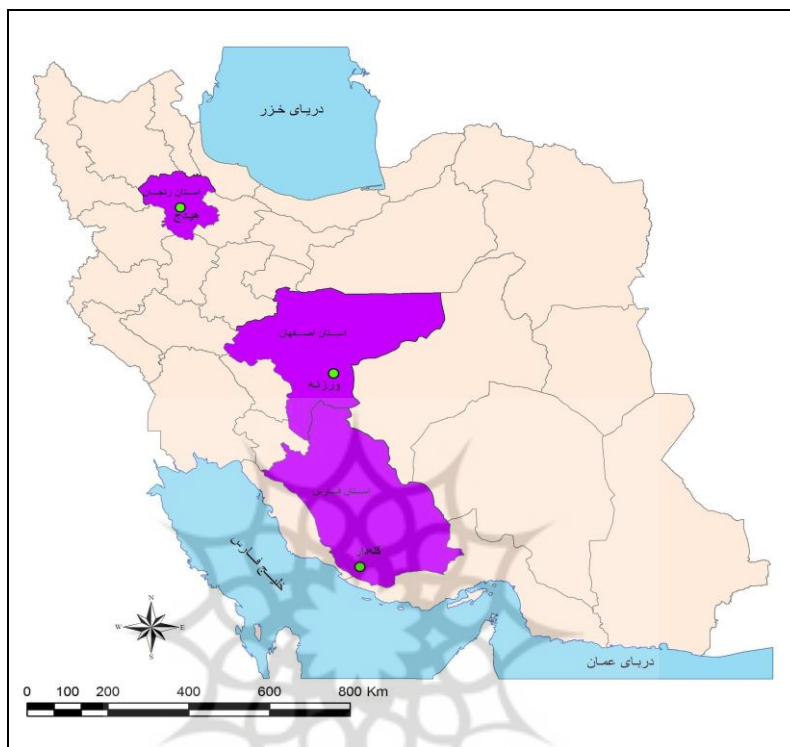
دارد که در مجموع ۴/۶ میلیون تن از جمعیت شهری را در خود جای داده و سایر شهرها کمتر از پنجاه هزار تن جمعیت داشته‌اند، که این شهرها در دسته‌ی شهرهای کوچک قرار دارند. برای این که نتایج این پژوهش را بتوان به سایر شهرها نیز تعمیم داد، در این مقاله، سه شهر از ایران در نقاط مختلف با فرهنگ‌های متفاوت انتخاب شده است. تمام شهرهای نمونه دارای نهادهای مدیریت شهری شهرهای کوچک (شهرداری و شورای شهر) هستند. با توجه به جمعیت بین پنج تا پنجاه هزار تن، این شهرها جز شهرهای کوچک محسوب می‌شوند. که در زیر این شهرها به صورت کوتاه معرفی شده‌اند:

شهر گله‌دار: این شهر در جنوبی‌ترین نقطه استان فارس در شهرستان مهر واقع شده است. جمعیت این شهر بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر با ۹۹۸۹ تن است؛ که از این تعداد ۵۱۵۳ تن مرد و ۴۸۲۹ تن زن بوده و تعداد خانوار این شهر ۱۹۹۵ خانوار بوده است. فاصله‌ی این شهر تا مرکز استان (شیراز) ۳۵۰ کیلومتر است.

شهر ورزنه: شهر ورزنه در جنوب شرقی استان اصفهان، در بخش بن‌رود شهرستان اصفهان واقع شده است. جمعیت این شهر بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۱۵۰۶ تن است؛ که از این تعداد ۵۹۹۹ تن مرد و ۵۵۰۷ تن زن و تعداد خانوار این شهر ۲۹۸۱ خانوار بوده است. فاصله‌ی این شهر تا مرکز استان (اصفهان) ۱۰۰ کیلومتر است.

شهر هیدج: این شهر در غرب استان زنجان در بخش مرکزی شهرستان ابهر واقع شده است. جمعیت این شهر بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۱۷۹۸ تن است؛ که از این تعداد ۵۹۶۶ تن مرد و ۵۸۳۲ تن زن و تعداد خانوار این شهر ۳۰۱۱ خانوار بوده است. فاصله‌ی این شهر تا مرکز استان (زنجان) ۷۷ کیلومتر است.

نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی سه شهر مورد مطالعه



یافته‌های پژوهش

جدول ۱ از تعداد ۲۵۵ پرسشنامه‌ی استخراج شده است. بر اساس جنس ۷۱ درصد پاسخ‌دهندگان مرد، ۲۸/۲ درصد زن بوده‌اند. همچنین بر اساس گروه‌های سنی، بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان از گروه سنی ۳۵-۴۶ ساله بوده‌اند و کمترین تعداد آنها، گروه سنی بالای ۵۵ ساله بوده که ۳۳ تن را شامل می‌شوند. از نظر تحصیلات ۹/۸ درصد بی‌سواد و هشتاد درصد پایین دیپلم و فقط نوزده درصد بالاتر از دیپلم بوده‌اند که این پایین بودن سطح تحصیلات در شهرهای کوچک را می‌رساند. بر اساس طبقه‌بندی وضعیت تأهل ۴۸ تن از آنها هرگز ازدواج نکرده و دویست تن متأهل‌اند.

بر اساس طبقه‌بندی وضعیت فعالیت ۲۷/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان فعالیت خدماتی و ۲۴/۴ درصد کشاورزانند، که این ماهیت خدماتی - کشاورزی شهرهای کوچک را نشان می‌دهد. همچنین ۴/۷ درصد از آنها بیکاراند که نشان دهنده‌ی پایین بودن نرخ بیکاری در شهرهای کوچک است. با توجه به سؤالات مربوط به طبقات اجتماعی ۵۲/۱۵ درصد از طبقه‌ی پایین؛ ۴/۹ درصد از طبقه‌ی متوسط و ۵/۸ درصد خود را از طبقه بالای اجتماعی معرفی کرده‌اند. با توجه به فاکتور طبقه‌ی اجتماعی، بیشتر پاسخ‌دهندگان از طبقه‌ی پایین اجتماع‌اند که این ناشی از نبود درآمد بالا در این شهرهاست.

در این قسمت، به منظور مطالعه و بررسی تأثیرات هم‌زمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از روش رگرسیون چندگانه استفاده شد. گزیده یافته‌های تحلیل رگرسیون در جدول ۸ ارائه شده است. همان‌گونه که بتاهای استاندارد شده مشخص می‌کند، نوع جنسیت بتای ۲۵ بیشترین اثر را بر مشارکت مردمی دارد. پس از آن وضعیت تأهل و بقیه تأثیر معناداری بر مشارکت شهروندی ندارند. بین اطلاعات دموگرافیک ارتباط سن و جنس با مشارکت مردمی از نظر آماری با اطمینان بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار است. همچنین در مجموع این سه شهر امتیاز دامنه‌های دیگر اختلاف معنادار ندارد. امتیاز دامنه‌ی مشارکت ذهنی در گروه‌های سنی زیر ۴۶ سال در این شهرها به صورت کلی بالاتر از مشارکت عینی است. مشارکت عینی نیز در تمام گروه‌های سنی بالاتر از ۴۶ سال در این شهرها به صورت معنادار کمتر است. کم شدن امتیاز دامنه‌های مشارکت با افزایش سن مطابق با یافته‌های مستخرج از هم‌بستگی مورد اشاره است. همان‌گونه که در جدول ۲ مشهود است، این اختلاف‌ها پس از لایه‌بندی سنی و جنسی نیز بیشتر موارد همچنان معنادار است. در بررسی‌های آماری انجام شده با توجه به حجم نمونه‌ی بالا در گروه‌های تحت مقایسه، معنادار بودن آماری به تنهایی نباید مورد استناد واقع شود و به عوامل دیگری نیز باید توجه شود که از حوصله‌ی این نوشتار خارج است.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیکی مجموع شهرهای گله‌دار، ورزنه و هیدج بر اساس پرسشنامه

اطلاعات دموگرافیکی مجموع شهرهای گله‌دار، ورزنه و هیدج								
جنس								
جنس	مرد	زن	مجموع					
تعداد	۱۸۳	۷۲	۲۵۵					
درصد	۷۱/۸	۲۸/۲	۱۰۰/۰					
گروه‌های سنی								
گروه‌های سنی	۱۶-۲۴	۲۵-۳۴	۳۵-۴۶	۴۷-۵۴	+۵۵	سایر	مجموع	
تعداد	۳۹	۶۲	۶۴	۵۵	۳۳	۳	۲۵۵	
درصد	۱۵/۲	۲۴/۳	۲۵	۲۱/۵	۱۲/۹	۱/۱	۱۰۰/۰	
تحصیلات								
تحصیلات	پیسواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	بالا‌تر از لیسانس	مجموع
تعداد	۲۵	۵۹	۷۳	۵۲	۳۰	۱۲	۴	۲۵۵
درصد	۹/۸	۲۱/۹	۲۸/۲	۲۱/۲	۱۲/۵	۴/۷	۱/۵	۱۰۰/۰
وضعیت تأهل								
وضعیت تأهل	هرگز ازدواج نکرده	مجرد در اثر طلاق	مجرد بر اثر فوت همسر	متاهل	مجموع			
تعداد	۴۸	۱	۶	۲۰۰	۲۵۵			
درصد	۱۸/۵	۰/۴	۲/۴	۷۸/۴	۱۰۰/۰			
وضعیت فعالیت								
وضعیت فعالیت	بیکار	خانه‌دار	دانشجو	خدمت‌رسان	دولتی	کشاورز	بازنشسته	مجموع
تعداد	۱۲	۴۷	۱۶	۷۰	۳۵	۶۱	۱۴	۲۵۵
درصد	۴/۷	۱۸/۴	۶/۲	۲۷/۴۵	۱۳/۲	۲۴/۴	۵/۶	۱۰۰/۰
طبقات اجتماعی								
طبقات اجتماعی	پایین	متوسط	بالا	مجموع				
تعداد	۱۳۳	۱۰۷	۱۵	۲۵۵				
درصد	۵۲/۱	۴۱/۹	۵/۸	۱۰۰/۰				

جدول ۲. رگرسیون بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (مشارکت مردمی)

مشارکت مردمی		متغیرهای مستقل
سطح معناداری	ضرایب استاندارد Beta	
.۰۰۰	۲۵.	جنس
.۰۰۰	۱۷.	گروه‌های سنی
.۰۰۱	۸.	تحصیلات
.۰۰۵	۰.۸.	وضعیت تأهل
.۰۱۰	۱۲.	وضعیت فعالیت
.۲۰۴	۹.	طبقات اجتماعی

۱. مشارکت ذهنی

در این قسمت ابتدا بین متغیرهای مستقل از بعد ذهنی با مشارکت شهروندی هم‌بستگی گرفته شد که ضرایب هم‌بستگی آن با شاخص مشارکت شهروندی مجموع سه شهر به دست آمده است (جدول ۳). نتایج حاصل از آزمون هم‌بستگی بین بعد ذهنی مشارکت و شرکت در مدیریت شهری نشان می‌دهد که فرض صفر (H_0) معنی‌دار است ($\alpha=0/000 \leq 0/05$) و میانگین پاسخ‌ها برابر است. در نتیجه می‌توان گفت که رابطه‌ی هم‌بستگی ($R=0/743$) بین دو متغیر در سطح متوسطی وجود دارد.

جدول ۳. آزمون هم‌بستگی بین مشارکت ذهنی و مشارکت مردمی در مدیریت شهری

همبستگی		مشارکت ذهنی	مشارکت مردمی	
پیرسون	مشارکت از بعد ذهنی (تمایل و نگرش)	ضریب همبستگی	۰/۷۴۳	
		سطح معنی داری (دو طرفه)	۰/۰۰۰	
		تعداد	۲۵۵	
	مشارکت مردمی در مدیریت شهری	ضریب همبستگی	۰/۷۴۳	۱
		سطح معنی داری (دو طرفه)	۰/۰۰۰	
		تعداد	۲۵۵	۲۵۵

الف) تمایل به مشارکت از بعد ذهنی: با توجه به نمودار ۲، برای سنجش مشارکت؛ مشارکت را با توجه با چارچوب نظری به دو بعد ذهنی و عینی تبدیل کرده‌ایم که بتوانیم مشارکت را با توجه به سؤالات ذکر شده بسنجیم. با توجه به تحلیل‌هایی که در محیط SPSS از طریق پاسخ‌هایی که به سؤال «تا چه حد علاقه‌مند به شرکت در حل مسایل و مشکلات شهر خود هستید؟» صورت گرفته نتایج زیر به دست آمد: ۴۷ درصد پاسخ‌دهندگان تمایل خود را زیاد و ۳۴/۱ درصد میزان تمایل خود را خیلی زیاد که جمعاً ۷۷ درصد از آنها را شامل می‌شود و فقط ۹/۷ درصد میزان تمایل خود را به حل مسایل شهرشان کم و خیلی کم ذکر کرده‌اند. با

توجه به جدول ۴ می‌توانیم دریابیم که میزان تمایل مردم در شهرهای کوچک در حل مسایل شهرشان و مدیریت شهری بسیار بالاست.

جدول ۴. میزان تمایل به مشارکت افراد

میزان تمایل به مشارکت		فراوانی	درصد
پاسخ	خیلی کم	۸	۳.۱
	کم	۱۷	۶.۶
	تا حدودی	۳۶	۱۴.۱
	زیاد	۱۰۳	۴۰.۴
	خیلی زیاد	۸۷	۳۴.۱
	مجموع	۲۵۱	۹۸.۴
	بدون جواب	۴	۱.۶
مجموع		۲۵۵	۱۰۰

ب) نگرش به مشارکت از بعد ذهنی: با توجه به دو دسته از سؤالات (مجموع ۱۵ سؤال) که در نمودار ۱ آمده است، میزان نگرش به مشارکت را در شهرهای کوچک سنجیده ایم و با توجه به عدم امکان تحلیل هر یک از سؤالات به صورت جداگانه در این نوشتار، در محیط SPSS سؤالات را هم‌سو و دسته‌بندی و در آخر میزان نگرش افراد را به مشارکت به سه دسته (جدول ۵) طبقه‌بندی نموده‌ایم که نگرش به مشارکت پایین، نگرش به مشارکت متوسط و نگرش به مشارکت بالا را نشان می‌دهد.

از مجموع ۲۵۵ تن پاسخ‌گو ۵۶ درصد، نگرش به مشارکت در مدیریت شهری را متوسط و ۳۴ درصد نگرش به مشارکت را بالا و فقط هشت درصد از پاسخ‌گویان نگرش ضعیفی به مشارکت در اداره شهرها داشته‌اند. بنابراین با توجه به این طبقه‌بندی محقق می‌شود که نگرش افراد ساکن در شهرهای کوچک به مشارکت در مدیریت شهری بسیار بالاست.

جدول ۵. میزان نگرش به مشارکت

نگرش به مشارکت		تعداد	درصد
پاسخ	ضعیف	۲۱	۸.۲۳
	متوسط	۱۴۵	۵۶.۸۶
	بالا	۸۹	۳۴.۹
	مجموع	۲۵۵	۱۰۰

با توجه به دو مؤلفه‌ی تمایل و نگرش به مشارکت ما در این پرسشنامه، بعد ذهنی مشارکت را استخراج کرده‌ایم (جدول ۶). این جدول با مدیریت توجه به دسته‌بندی و هم‌سو کردن دو جدول شماره ۴ و ۵ در محیط SPSS استخراج شده است. مشارکت ذهنی را به ذهنیت ضعیف، متوسط و بالا به مشارکت در مدیریت شهری طبقه‌بندی نموده‌ایم که از کل پاسخ‌گویان، ۴۸ درصد از نگرش متوسط و ۴۱ درصد نگرش بالا و قوی به مشارکت در بعد ذهنی دارند. درصد افرادی که ذهنیت‌شان به مشارکت در مدیریت شهری ضعیف است بسیار کم (۶/۸ درصد) است.

جدول ۶. نتایج مشارکت ذهنی (مجموع تمایل و نگرش)

مشارکت ذهنی		تعداد	درصد
پاسخ	پایین	۲۲	۸.۶
	متوسط	۱۲۷	۴۹.۸
	بالا	۱۰۶	۴۱.۵۶
مجموع		۲۵۵	۱۰۰

همان‌گونه که از نتایج پرسشنامه در مورد ذهنیت شهروندان شهرهای گلهدار، ورزنه و هیدج مشخص شد، مردم در این شهرها ذهنیت بسیار خوبی را به مشارکت در مدیریت شهری و مسایل شهر خودشان دارند و این ذهنیتی که در این شهرها وجود دارد، به دلیل وجود روابط صمیمی و تعامل بیشتر با هم و ارتباطات رودررو است.

۲: مشارکت از بعد عینی

نتایج آزمون هم‌بستگی بین مشارکت از بعد عینی نشان می‌دهد که فرض صفر (H_0) معنی‌دار نیست ($\alpha=0/038 \leq 0/05$) و گرچه در برخی از خردمتغیرها رابطه‌ی معنادار در سطح متوسطی قرار دارد، اما با توجه به هم‌سو کردن مجموع پاسخ‌ها در بعد عینی مشارکت رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در نتیجه می‌توان گفت که رابطه‌ی هم‌بستگی ($R=0/828$) در سطح متوسط به بالایی وجود دارد.

جدول ۷. آزمون هم‌بستگی بین مشارکت عینی و مشارکت مردمی در مدیریت شهری

مشارکت مردمی	مشارکت ذهنی	ضریب هم‌بستگی	مشارکت عینی (مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه، روابط اجتماعی، مشارکت)	هم‌بستگی
۰/۸۲۸	۱	ضریب هم‌بستگی	مشارکت از بعد عینی (مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه، روابط اجتماعی، مشارکت)	پیرسون
۰/۰۳۸		سطح معنی داری (دو طرفه)		
	۲۵۵	تعداد		
۱	۰/۸۲۸	ضریب هم‌بستگی	مشارکت مردمی	
	۰/۰۳۸	سطح معنی داری (دو طرفه)		
۲۵۵	۲۵۵	تعداد		

در مبحث عینیت ۲۵ سؤال از پرسشنامه به بروز مشارکت در عرصه‌ی جامعه توسط شهروندان می‌پردازد که می‌توان نتایج زیر را برداشت کرد. در شرکت در گروه‌ها این نتایج به دست آمد:

جدول ۸. میزان مشارکت شهروندان در گروه‌های اجتماعی

شورا	انجمن اولیا	گروه‌های صنفی	احزاب سیاسی	بسیج	گروه‌های سیاسی	گروه‌های هنری	هیات‌های مذهبی	انجمن‌های خیریه	در صد مشارکت
۶۲	۱۴	۸/۹	۱۵/۱	۴۲/۳۸	-	۲/۵	۸۹/۸	۴۱/۱۸	در صد مشارکت
همکاری	همکاری	عضویت	همکاری	عضویت همکاری	-	عضویت	همکاری	همکاری	نوع مشارکت

براساس جدول (۸): هیئت‌های مذهبی، شورا و بسیج، رتبه‌های اول تا سوم مشارکت را کسب کرده‌اند.

جدول ۹. میزان مشارکت شهروندان در گروه‌های اجتماعی

نقش مثبت شورا در شهر	شرکت در انتخابات	عضویت در مدیریت شهری	مشارکت در انتخاب افراد	شرکت در جلسات	منافع مالی شخص در قبال منفعت شهری	در صد
۷۶	۵۵/۲	۳۲/۵	۵۶	۳۸/۴	۲۱/۱۷	در صد
۱۹۰	۱۴۱	۸۴	۱۴۳	۹۸	۵۴	تعداد

در بعد عینی می‌توان به دیدار با بستگان اشاره کرد براساس پرسشنامه دیدار اعضای خانواده (۵۱/۸ درصد) همسایگان (۴۰/۸ درصد)، اقوام و آشنایان (۴۰ درصد)، دوستان و آشنایان (۳۹/۲ درصد) و همکاران (۳۴/۹ درصد) گزینه‌ی زیاد را برگزیده‌اند که نشان می‌دهد در جامعه یک نوع مشارکت عینی هم دیده می‌شود. بخشی از این پاسخ را باید مربوط به اوقات فراغت بیشتر اهالی شهرهای کوچک نسبت به شهرهای بزرگ دانست.

با توجه به نمودار (۲) برای سنجش نسبت مشارکت در شهرهای مورد مطالعه‌ی ما عینیت را با سه دسته از سؤالات مورد سنجش قرار دادیم که این سؤالات عضویت در گروه‌ها و نهادهای شهری، شرکت در انتخابات اخیر و میزان رابطه با افراد و گروه‌های در یک‌سال گذشته را شامل می‌شود.

با توجه به تجزیه و تحلیل سؤالات مربوط به مشارکت عینی، جدول نهایی مشارکت عینی استخراج شده است (جدول ۱۰). سی و یک درصد پاسخ‌دهندگان، مشارکتی در بعد عینی در این شهرها نداشته و بیست و شش درصد، مشارکت بسیار کمی در سطح این سه شهر داشته و سی و دو درصد مشارکت متوسطی را در بعد عینی داشته‌اند. همچنین فقط نوزده درصد از آنها مشارکت بسیار بالایی را در بعد عینی دارند. پس از نظر بعد عینی مشارکت در این سه شهر ۴۷ درصد از آنها تقریباً مشارکت بسیار ضعیفی داشته‌اند بنابراین از نظر بعد عینی مشارکت، مشارکت عینی در این سه شهر، تقریباً پنجاه درصد از ایشان از نظر عینی سهمی در مشارکت در شهرشان ندارند.

جدول ۱۰. میزان سنجش مشارکت شهروندان از

مشارکت عینی در مجموع		تعداد	درصد
دسته‌بندی	بدون مشارکت	۵۵	۲۱.۵۶
	مشارکت ضعیف	۶۷	۲۶.۲۷
	مشارکت متوسط	۸۴	۳۲.۹
	مشارکت بالا	۴۹	۱۹.۲
مجموع		۲۵۵	۱۰۰

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین اصول دموکراسی مشارکت در تمام امور است. با توجه به روند دموکراسی در کشورها، روند تهیه و اجرای طرح‌های شهری، همچنین مدیریت شهری شهرهای جهان، به سوی مشارکت مردم در امر مدیریت شهری سوق پیدا کرده است. بنابراین توجه به مشارکت در مدیریت شهری، نقش عمده‌ای در حل بسیاری از مشکلات و مسائل شهری دارد. همچنین در حال حاضر در ایران مردم فقط از طریق شوراها در مدیریت شهری شهرها مشارکت دارند و هیچ مشارکتی نه در روند تهیه و اجرای طرح‌های شهری و نه در مدیریت شهری شهرها دارند، در صورتی که باید به نقش مردم در مدیریت شهری توجه بیشتری شود. حال با توجه به نبود سابقه‌ی زیاد مشارکت در مدیریت شهری شهرهای ایران و همچنین توجه به مباحث مشارکت در شهرهای بزرگ، لزوم توجه به مشارکت در شهرهای کوچک به این دلیل که بستر مشارکت شهروندی در شهرهای کوچک مهیا تر است، مشخص می‌شود.

نظر به نتایجی که از پرسشنامه در شهرهای مورد بررسی (گله‌دار، ورزنه و هیدج) به دست آمد، مشخص شد که رابطه‌ی معناداری بین مشارکت و شاخص‌های سنجش مشارکت وجود دارد. در بررسی رابطه‌ی متغیرهای مستقل با وابسته، مشخص شد که برخی از متغیرهای مستقل به‌طور جداگانه با هردو متغیر وابسته ارتباط معنادار و قابل توجهی دارند. نتایج نشان می‌دهد که در بعد ذهنی، تمایل به مشارکت بسیار بالاست و نگرش بسیار مناسبی به مشارکت در این شهرها وجود دارد. بنابراین توجه به پتانسیل مشارکت در موضوع مدیریت شهری شهرهای کوچک الزامی است، چراکه مدیران شهری یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی که در مدیریت شهری به آن نیاز دارند، همکاری و تعاون مردم است و در شهرهای کوچک مورد مطالعه این بستر فراهم است. همچنین با توجه این که میزان روابط و تعاملات اجتماعی در این سه شهر بسیار

بالاست و شهروندان با هم همکاری و تعاون دارند در برخی از ابعاد عینی مشارکت، شهروندان در برخی از نهادهای مشارکت (شورا، انجمن‌های خیریه و هیئت‌های مذهبی) حضور دارند. در بعد عینی مشارکت نیز، که از طریق عوامل مشارکت مردم در سازمان‌ها و نهادهای شهری و همچنین شرکت در انتخابات اخیر و تعامل با آشنایان سنجیده شد، در سطح ضعیفی قرار دارد. گرچه با توجه به نتایج سؤالات مربوط به تعامل با آشنایان و روحیه‌ی تعاون مشخص می‌شود که روحیه‌ی اجتماعی در این شهرها در سطح بالایی قرار دارد. نهایتاً در عمل ما می‌بینیم که در این شهرها مردم به غیر از شوراها هیچ مشارکتی در امور مدیریت شهری ندارند، که یکی از مهمترین عوامل نبود مشارکت، و مهیا نبودن عوامل شکل‌گیری مشارکت در امور مدیریت شهری شهرهای مورد مطالعه است. بنابراین ضروری است که توجه بیشتری به مشارکت در مدیریت شهری شهرهای کوچک شود. با توجه به این‌که این سه شهر در نقاط مختلف جغرافیایی ایران و با فرهنگ‌های متفاوت واقع شده‌اند، می‌توان نتایج این پژوهش را به بیشتر شهرهای کوچک تعمیم داد و بیان کرد که بستر مشارکت در مدیریت شهری شهرهای کوچک مهیا است و با توجه به اهمیتی که مشارکت شهروندی در مدیریت شهری دارد، لزوم توجه بیشتر به مشارکت مردمی در شهرهای کوچک مشخص می‌شود.

منابع و مأخذ:

۱. احمدی، حسین (۱۳۸۵)، مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (پیمایشی در بین دانش آموزان متوسطه استان زنجان)، انجمن علمی جامعه شناسی ایران، تهران.
۲. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. حکمت نیا، حسن و میرنجف میر موسوی (۱۳۸۵)، تحلیلی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۰، بهار ۱۳۸۵، اصفهان.
۴. رضویان، محمد تقی (۱۳۸۱)، مدیریت عمران شهری، انتشارات پیوند نو، چاپ اول، تهران.
۵. سرور، هوشنگ و منیژه نعمت پور (۱۳۸۵)، "نگرشی به نقش کانونی شهرهای کوچک و میانی در توسعه منطقه ای (قسمت دوم)"، مجله شهرداری‌ها شماره ۷۴ آذر، تهران.
۶. سعید نیا، احمد (۱۳۸۲)، کتاب سبز شهرداری‌ها، جلد پنجم، طرح‌های شهری در ایران، سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ دوم، تهران.
۷. طوسی، محمد علی (۱۳۷۳)، مشارکت (در مدیریت و مالکیت)، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
۸. علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره ی امور شهرها، جلد اول (تجارب جهانی و ایران)، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
۹. علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۰)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره ی امور شهرها، جلد دوم (یافته های تجربی و راهبردها)، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
۱۰. غفاری، غلامرضا و ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۸۰، تهران.
۱۱. قالیباف، محمد باقر (۱۳۸۶)، حکومت های محلی، استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران.
۱۲. کامیار، غلامرضا (۱۳۸۵)، حقوق شهری و شهرسازی، انتشارات مجد، تهران.
۱۳. کردی، عبدالرضا (۱۳۸۵)، اصول و مبانی خلاقیت در مدیریت شهر، مجله شهرداری‌ها، شماره ۷۵ دی ماه، تهران.

۱۴. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *سالنامه آماری نفوس و مسکن، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.*
۱۵. معنی، منوچهر (۱۳۸۲)، *مشارکت اجتماعی در ایران، چاپ اول، انتشارات آرون، تهران.*
۱۶. موسوی، میر طاهر (۱۳۸۴)، *تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده - فرهنگ دهقانی راجرز)*، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۸۴، تهران.
۱۷. میرموسوی، سید علی (۱۳۷۵)، *مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی، نقد و نظر، شماره سوم و چهارم، تابستان و پاییز. قم.*
۱۸. نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۱)، *سیاست و شهروندی، مدیریت شهری. دوره ۳، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۱، تهران.*
۱۹. یزدان زاده، علی و فرهنگ لاریجانی (۱۳۸۶)، *"بررسی اجمالی حقوقی مجموعه های شهری و جایگاه شهرداری ها"*، مجله شهرداری ها، شماره ۸۰، سال ششم، خرداد و تیر ۱۳۸۵.
20. Arnesterins (2006), *ladder of citizen participation*, journal of planning association,
21. Chakrabarty, B. K. (2001), *Urban Management (Concepts, Principles, Techniques and Education)* Pergamon
22. Chery McEwan (2005), *New spaces of citizenship? Rethinking gendered participation and empowerment in South Africa*, political geography
23. Matthew McConnachie, C.M. Shackletona , G.K. McGrego (2008),*The extent of public green space and alien plant species in 10 small towns of the Sub-Tropical Thicket Biome*, South Africa urban greening
24. Yusuf, S.A.(2008) *Social Capital and Household Welfare in Kwara State*, Nigeria/ Department of Agricultural Economics, University of Ibadan, Ibadan, Nigera